

فقدان شناخت آخوند خراسانی و نقش واقعی او در انقلاب مشروطیت

گمشده‌های در صفحات تاریخ



محمد ماتنو فرزانه

پس از گذشت یک قرن و اندی از تاسیس مجلس شورای ملی ایران که یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب مشروطیت بود، هنوز نقش مهم علمای ترقی‌گرا در این حرکت مورد بررسی جدی قرار نگرفته است. شاید بتوان از دلایل سطحی گرفتن این موضوع توسط مورخان به نداشتن اطلاعات مربوط در قشرهایی که تحت کنترل فکری علما بودند یا خصومت به مذهب و روحانیت در میان برخی از محققان تاریخی اشاره کرد. هرچه از زمان دوره اول مجلس به بعد می‌نگریم منابع تاریخی کمتر از گذشته در مورد نقش کلیدی علما صحبت به میان آورده‌اند به طوری که در دوره پهلوی دوم کمتر کسی به اشاره این موضوع پرداخت. عبدالهادی حائری یکی از آخرین اساتید تاریخ بود که در کتاب «شعب و مشروطیت در ایران» به تجزیه و تحلیل کتاب ناینی در مورد نقش شیعه و اسلام در مشروطیت پرداخت.

اگر از نقش سیدین طباطبایی و بهیمنانی که در شروع کار مجلس شورای ملی نمایندگان برگزیده صنف علما بودند بگذریم و حضور بدون شک شیخ فضل‌الله را که منتهی به مخالفت او با مشروطیت شد را نیز کنار بگذاریم، با نقش کلیدی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی در این اتفاق مهم تاریخ ایران رویه‌رو می‌شویم. در جامعه روحانیت کمتر کسی را می‌توان یافت که با آخوند و نوشته‌هایش و درس‌های اصول فقه و اثر ماندگار او «کفایه‌الاصول» آشنا نباشد. خدمات او و آموزش علوم فقه به طلاب که تعداد زیادی از آنان مراجع تقلید بزرگ قرن بیستم ایران به شمار می‌آیند باعث شد تا از نظر علمی سایه فقهی او در سراسر عالم شیعه گسترده باشد.

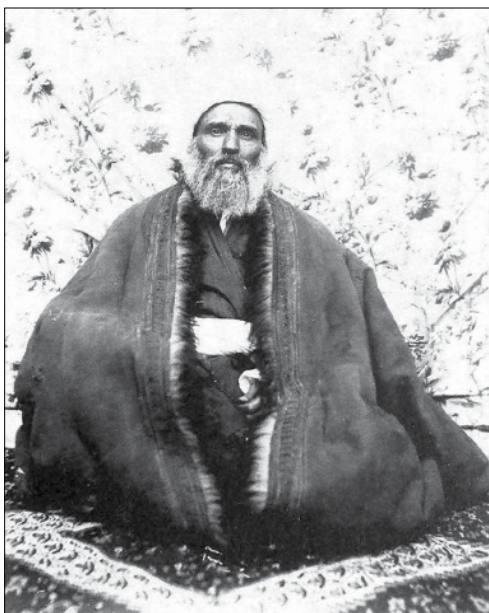
با این همه، تا چندی پیش نام آخوند در خارج از حوزه علمی فقهی برای عامه مبهم بود. سیاست‌نامه خراسانی که اولین آشنایی عامه مردم با آخوند بود و به دنبال آن همایش‌های مختلف که آخرین آن در آذرماه ۱۳۹۰ در قم برگزار شد، جزو اولین گام‌های معرفی و شناساندن آخوند خراسانی از موضع سیاسی و اجتماعی به‌شمار می‌روند.

عبدالهادی حائری نیز نخستین کسی بود که چندین سال قبل از فوتش توانست مقاله‌ای کوتاه در مورد آخوند خراسانی برای دایره‌المعارف ایرانیکا بنویسد. در منابع غربی نیز اشاره روشنی به نقش پررنگ او در موفقیت انقلاب مشروطیت نشده است.

نخستین بار بنده در کتاب «شیعه‌واقع‌گرا، رهبری عملگرا و موفقیت انقلاب مشروطه و نقش آخوند خراسانی» به زوایای مختلف زندگی آخوند و حضور پررنگش در دوران حساس استبداد صغیر و همچنین اعتراض او حتی قبل از شروع انقلاب مشروطیت (در تلگرافی خطاب به ولیعهد محمدعلیشاه قاجار) پرداخته و ارتباطات مجلس تازه‌شکل یافته در موارد مختلف با آخوند و دیگر همکارانش (میرزا حسین میرزا خلیل تهرانی و شیخ عبدالله مازندرانی) را مورد بررسی قرار داده‌ام.

اکنون این موقعیت را غنیمت شمرده و چکیده‌ای از تحقیقات و بررسی‌هایم را در مورد نامه‌ها و فتاوی آخوند که در مورد لزوم تاسیس مجلس شورا و تطابق دادن آن با تمامی موازین اسلامی است را تشریح می‌کنم. مهم‌ترین مسأله‌ای که باید در نظر گرفت این است که آخوند خراسانی به معنای واقعی کلمه یک روحانی بود. حرکات، رفتار، افکار و آثارش همه بیابگر پای‌بندی او به اصول شرعی، دینی، نقش یک روحانی و مهم‌تر از آن یک مرجع تقلید و حافظ اسلام در ایران است. بنابراین توقع داشتن از او که مانند یک روشنفکر مدرن (که عمیقاً با آثار غربی مانوس بود) باشد را باید به کنار گذاشت.

همان‌طور که مثلاً فریدون آدمیت را از نوشته‌هایش که در چارچوب



تعلیمات او و زندگیش (که هیچ رابطه‌ای با حوزه شیعه و روحانیت نداشت) در قالب خود باید بشناسیم، آخوند را هم در چارچوب زندگی او که از طوس آغاز و به مشهد و سبزوار و تهران ادامه یافت و سرانجام منتهی به نجف شد، باید شناخت.

خراسانی هیچ‌گاه خود را سیاستمدار معرفی نکرد. تمام دغدغه او کمک به دست‌اندرکاران مشروطیت یا به قول خودش «عقلا» بود. او به طور کل ضدسلطنت شاهنشاهی نبود. تا قبل از به توپ بستن مجلس توسط محمدعلیشاه، خراسانی هیچ موقع خود را ضدشاه معرفی نکرد ولی برطبق شواهد به صراحت می‌توان گفت که آخوند ضداستبداد و بی‌عدالتی بود و چیزی که شخصیت او را بسیار متفاوت‌تر از همکارانش کرد، این بود که آخوند ضدبی‌عدالتی حتی نسبت به ایرانیان غیرمسلمان بود.

حکم‌فرمایی قاجار که کمتر به اصول عدالت و منطق پایبند بود، همیشه مورد انتقاد او قرار می‌گرفت.

این نکته که خراسانی به‌عنوان یک فقیه پروپاقرص مکتب اصول، منطق و صلحت و مقتضیات زمان را نسبتاً جدا در نظر می‌گرفت، نقطه قابل تمایز دیگری است. با موفقیت حرکت فقه اصولی ضد فقه اخباری در اواخر قرن هجدهم میلادی کانون فقه‌ها به آزادی قابل توجهی دست یافت که به هر فقیه شیعه اجازه می‌داد با در نظر گرفتن عقل و منطق انسانی در سطحی که قوانین قرآن، حدیث و اجماع را زیر پا نگذارد، خود را مسوول درست کردن قانون شیعه بدانند.

خراسانی این فرصت را در راه کمک و خدمت به مسلمانان و حتی ایرانیان غیرمسلمان (زرتشتی، یهودی و مسیحی) خرج کرد، ولی به دلیل موقعیت علمی و مرجعیتی او، کسی به خود جرات نداد که از او به جز یک فقیه فهیم یاد کند. در نتیجه، این درس خراسانی که طبق اصول مساوات در اسلام بود، او را به عنوان تنها مرجع تقلید دنیای شیعه اثنی‌عشری در اوایل قرن بیستم تثبیت کرد و با توجه به فقه اصولی شیعه اندیشه‌های سیاسی خود را به همگان شناساند.

چند سال قبل از انقلاب مشروطه، آخوند در خاتمه «کفایه‌الاصول» (۱۹۰۳) مبحث اجتهاد را مورد بحث قرار می‌دهد. اگر نگاه دقیقی به این

مبحث بیندازیم و در عین حال نگاه تطبیقی با تلگراف‌ها، نامه‌ها و فتاوی او در حمایت از مجلس و قانون اساسی داشته باشیم واضح خواهد بود که این دو در فکر آخوند لازم و ملزوم هم بودند.

پژوهشگرانی که نقش روحانیت را در آن دوران تنها از دید شیخ فضل‌الله می‌بینند، باید به نقش آخوند که استادالعلماء و بزرگ‌ترین فقیه حال شیعه بود توجه داشته باشند. اگر کسی به دنبال افکار «جان‌لاک» و امثال او در افکار خراسانی باشد ناامید خواهد شد، اما اگر به افکار خراسانی در چارچوب نگرش یک روحانی به یک جامعه مرفعی که در عین حال می‌تواند اسلامی هم باشد، توجه داشته باشد، خواهد دید که چگونه این اتفاق در تاریخ ایران در یکی از مهم‌ترین ایام آن در مشروطه اتفاق افتاده است. نقش آخوند از آنجا کلیدی می‌شود که او حمایت از عقلا را که همان منورالفکرها در تاسیس مجلس شورای ملی بودند را لازم دانست. او به صراحت گفت که به دلیل آنکه علم متجدد ایرانی باید در چارچوب افکار مروجان آن باشد، نقش خود را در برابر سیاست جدید بسیار کم خواهد کرد.

در منابع تاریخی آشکار است، زمانی که مجلس دارای قدرت قانونگذاری شده بود، دایماً از آخوند به عنوان رهبر علما مشروطه‌خواه در نجف استفتا می‌کرد، مبدا قانونی که ضد اسلام و شریعت باشد را تصویب کند. از این قوانین می‌توان به قانون خدمت سربازی، قانون گمرک و قوانین مالیاتی اشاره کرد. همچنین چند لایحه هم بود که مجلس نه یک‌بار بلکه به کرات درباره آنها از آخوند کسب تکلیف کرد.

مشروع بودن مشروطیت که بعضاً به آن می‌پرداختند، هیچ موقع بحث قابل قبولی برای آخوند نبود. او مقتضیات زمان را (که در آن موقع با عقب‌ماندگی جامعه و با اقتصادی که از همه جوانب توسط چه خودی و چه بیگانه به بدترین وضع کشانده شده بود و حقوق کسانی که نه به کاخ سلطنتی و نه به مرجع دیگری جز مرجع شیعه دستیابی نداشتند) مورد توجه خود قرار داد. خراسانی نه به عنوان سیاستمدار بلکه به عنوان مرجع مذهبی و رهبر معنوی مشروطیت از طرف مردم عامی که وجه مشترکی با قشر تحصیلکرده و متمول جامعه نداشتند، نقش خود را به عنوان پلی در وصل کردن این دو قطب مختلف جامعه ایرانی یعنی مذهبیون و غیرمذهبیون ایفا کرد.

اگر بیشتر راجع به آخوند صحبت شود، اثرات درس‌های شیخ مرتضی انصاری را روشن‌تر خواهیم دید. انصاری هیچ‌گونه دخالت علما را در اصول غیرمذهبی جایز نمی‌دانست و پیرو همین اصل آخوند به عنوان فقیهی که با وظایف خود آشنا بود، نه به عنوان یک سیاستمدار شناخته شده بود.

در اینجا، جا دارد در جواب کسانی که در نقش خراسانی در موفقیت مشروطیت متعجب‌اند که چرا او تمام افکار خود را در مورد مشروطیت به وضوح ارایه نداد، پاسخ دهیم که او خود را تنها پلی می‌دانست که قصد داشت جامعه ایران را از سیاهی به سپیدی سوق دهد. سپیدی و آینده روشنی که قانون‌مداری و احترام به آن در جلد مجلس منتخب مردم رویت می‌شد.

اگرچه شاید مشروطه به کلی به آرزوی خالص خود که از بین بردن استبداد و ناعدالتی در جامعه ایرانی بود نرسید ولی جرقه‌ای بود که آتش بیداری را در تاریخ‌ترین نقطه تاریخ مدرن ایرانیان روشن کرد.

به هیچ‌گونه نمی‌توان از خدمات قشرهای گوناگون از جمله روشنفکران، ملیون، انجمن‌های سری و غیرسری و همچنین علمای اسلام چشم‌پوشی کرد. نادیده گرفتن یک یا دو قشر که از افکاری با رنگ و لعاب مختلف برخوردار بودند باعث انکار تاریخ و شاید تکرار اشتباهات و ترویج ابهام در وقایع تاریخی این سرزمین خواهد شد. خراسانی گوشه‌ای، هرچه مهم ولی کوچکی، از این داستان را منحصر به خود می‌کند. گوشه‌ای که بعضاً هنوز به دلیل بی‌دلایلی انکار شده که به نظر من این انکار خیانتی تاریخی و علمی است. ►

ملا محمد کاظم خراسانی گرفته است. حوزه مطالعات و علایق علمی او، روحانیون در دوره مشروطیت، روابط ایران و عراق، ناسیونالیسم دینی در ایران و تاریخ تشیع است. ►

شمالی در شیکاگو آمریکاست. فرزانه دکترای خود را از دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا با موضوع نقش علما در انقلاب مشروطیت ایران: زندگی و کارنامه آخوند

محمد ماتنو فرزانه متولد شهر اهواز است. او اکنون استاد تاریخ تحولات معاصر جهان اسلام و خاورمیانه در گروه تاریخ دانشگاه ایلینویز